



یک داستان ساده سخت!

۴

جنس فروخته شده

پس گرفته می شود؟



از آنجا که بانوان غالب

مشتریان خرید اینترنتی

و حتی حضوری هستند،

دانستن نکاتی درباره شرایط

استرداد کالا ضرورت دارد

شهربانو



تبدیل رسانه به فرصت ارتباط مؤثر در خانواده

نسل مادران و نسل دختران نوجوان حتی در بهترین شرایط درک متقابل، باز هم دچار چالش های متعددی شوند. این چالش و نبود تفاهم های گریز محور که دختران نوجوان را به درون تنهایی و انزوای خودخواسته سوق می دهد امری امروزی نیست...

کارآفرینی با گل های رز روی موج کرونا

گفت وگو با ملیحه نوروزبیگی، تولیدکننده گل و گیاه که باعث ایجاد اشتغال برای دختران و زنان سرپرست خانوار شده است

۲



۱۷

عکس: محمد بهمنشوربان / شهرآر

نیکوکاران اینستاگرامی در خدمت توسعه

اگر در چند ماه گذشته با ما همراه بوده باشید، می دانید که در هر یادداشت به حوزه ای از فعالیت های زنان در اینستاگرام پرداخته ایم. از زنان بلاگر، اینفلوئنسر و سلبریتی گفته ایم تا مادران اینستاگرامی و زنانی که به کسب و کار در این شبکه مشغول اند. در این یادداشت زنان نیکوکار اینستاگرامی و فعالیت های آنان را به شما معرفی خواهیم کرد.



یادداشت (دکتر زهرا اردکانی) پژوهشگر مطالعات رسانه ای زنان

برخی از زنان،

اینستاگرام را به محلی برای انجام کارهای خیریه و انسان دوستانه خود تبدیل کرده اند. در صفحات خود کار خیری را تعریف می کنند و به کمک مخاطبان نشان، اقداماتی را انجام می دهند. مثلاً آن ها با اعلام شماره حساب، از مخاطبان خود می خواهند برای خرید مایحتاج افرادی در مناطق محروم، بازسازی روستاها یا افرادی که در بلایای طبیعی گرفتار شده اند، جمع آوری شده توسط مخاطبان اینستاگرامی را به دست افراد نیازمند می رسانند و گزارش اقدامات خود را از طریق صفحه خود در اختیار بینندگان و کمک کنندگان قرار می دهند.

زنان پیش از به وجود آمدن شبکه های اجتماعی نیز در مقاطع مختلف تاریخی به شکل های مختلف به کارهای خیرخواهانه مشغول بوده اند. در زمان جنگ در پشت صحنه، کارهای داوطلبانه و خیرخواهانه برای جبهه ها انجام می دادند، در زمان وقوع بلایای طبیعی برای هموعان خود اقلام مورد نیاز را جمع آوری می کردند. کنشگری خیرخواهانه غیرانتفاعی اساساً نوعی کنشگری زنانه است که سابقه ای طولانی دارد. در این مقطع تاریخی، زنان فناوری های جدید ارتباطی مانند شبکه های اجتماعی را در خدمت فعالیت های خیرخواهانه خود درآورده اند و نظم بیشتری به آن داده اند.

کارهای خیریه زنان با نوعی مسئولیت پذیری زنانه و دلسوزی از جنس مادرانه همراه است. آن ها به فعالیت های خیریه خود مانند یک کار نگاه نمی کنند، بلکه آن را فرایندی همراه با عشق می دانند. با همان ظرافت و نکته سنجی زنانه به نیازهای کوچک و بزرگ افرادی که قصد کمک به آن ها را دارند فکر، در بلایای طبیعی گرفتار شده اند، محروم، بازسازی روستاها یا افرادی که در بلایای طبیعی گرفتار شده اند، جمع آوری شده توسط مخاطبان اینستاگرامی را به دست افراد نیازمند می رسانند و گزارش اقدامات خود را از طریق صفحه خود در اختیار بینندگان و کمک کنندگان قرار می دهند.

زنان پیش از به وجود آمدن شبکه های اجتماعی نیز در مقاطع مختلف تاریخی به شکل های مختلف به کارهای خیرخواهانه مشغول بوده اند. در زمان جنگ در پشت صحنه، کارهای داوطلبانه و خیرخواهانه برای جبهه ها انجام می دادند، در زمان وقوع بلایای طبیعی برای هموعان خود اقلام مورد نیاز را جمع آوری می کردند. کنشگری خیرخواهانه غیرانتفاعی اساساً نوعی کنشگری زنانه است که سابقه ای طولانی دارد. در این مقطع تاریخی، زنان فناوری های جدید ارتباطی مانند شبکه های اجتماعی را در خدمت فعالیت های خیرخواهانه خود درآورده اند و نظم بیشتری به آن داده اند.

اول، **بصری شدن و دیداری شدن کار خیر:** زنان خیر نتایج کمک های خیرخواهانه خود و مخاطبان نشان را در اینستاگرام با تصویر و فیلم های متعدد به نمایش می گذارند. این نمایشی شدن و دیدنی شدن خوبی ها و خیرها دیگران را نیز به مشارکت در کارهای نوع دوستانه ترغیب می کند.

دوم، **استفاده از شبکه های افراد برای کار خیر:** ویژگی های شبکه ای اینستاگرام باعث می شود افراد مختلفی از طریق شبکه دوستان خود به کارهای خیر بپیوندند و این فعالیت های انسان دوستانه به

شکل تصاعدی و شبکه ای گسترش یابد و افراد بیشتری را با خود همراه کند. بنابراین در صفحات زنان نیکوکار اینستاگرامی با یک نهاد مدنی تازه روبه رو هستیم که به صورت غیردولتی و مستقل فعالیت می کند. هر قدر صفحه فردی که کار خیر انجام می دهد دنبال کننده های بیشتری داشته باشد و سرمایه اجتماعی صاحب صفحه در فضای مجازی بیشتر باشد، فعالیت هایش کلان تر و بیشتر در راستای توسعه کشور کشور به کار می گیرند. به زبان دیگر، فعالیت های مدنی خیرخواهانه زنان در اینستاگرام از سطوح فردی و کوچک آغاز می شود و تا فعالیت های بزرگ توسعه ای ادامه دارد. برخی از زنان از طریق این شبکه، در ایام وقوع بلایای طبیعی مانند سیل و زلزله های چند سال اخیر، به کمک نهادهای دولتی آمدند و به بازسازی شهرها و روستاهای آسیب دیده پرداختند. لذا می توان این طور بیان کرد که صفحات زنان خیر اینستاگرامی به مثابه نهادهای مدنی خیرخواهانه تازه ای هستند که در خدمت مردم و توسعه کشور قرار می گیرند.

هدی جاودانی

مترجم

(آفاق)



داستان یک قهرمان به نام «سبیتا»

روستا به سرعت دست به کار شدند. سبیتا می گوید: ما در مقایسه با مردان، رویکرد متفاوتی پیش گرفتیم. نمی خواستیم مردم را بترسانیم. به همین علت، صدایشان زدیم و همدیگر را حضوری دیدیم و با خون سردی به آن ها گفتیم گردبادی در راه است و آن ها باید به مکانی امن بروند. گفتیم اگر سرپناهی ندارند، حاضریم به آن ها کمک کنیم. همچنین مطمئن شدیم در خانه شان زن باردار یا سالمندی نباشد.

ساعت ها پیش از برخورد ماهاسن، سبیتا با استفاده از تلفن همراهش، با ۲۲ زن دیگر در روستاهای همسایه در ارتباط بود. زنان همه این روستاها هم زمان با یکدیگر، روستاهاشان را تخلیه کرده بودند. سبیتا می گوید: گردباد ۳ ساعت تمام طول کشید. خانه های بسیاری تخریب شدند. درختان از ریشه درآمدند. آدم های زیادی به شدت زخمی شدند. موقعیت دشواری بود. ولی ما، همگی، در کنار هم تلاش کردیم.

زمانی که قدم های مرگ بار گردباد ماهاسن به روستای سبیتا رسیده بود، زنان حدود ۵۰۰ نفر از مردم روستا را به پناهگاه ها هدایت کرده و جان شان را نجات داده بودند.

داستان سبیتا تنها یکی از هزاران داستانی است که در آن، زنان هنگام بلایای طبیعی، به یاری جوامع خود برخاسته اند. تلاش های زنان در موقعیت بحران، چیزی کمتر از یک اقدام قهرمانانه ندارد اما اغلب این داستان ها نشیده باقی می ماند و در تاریخ گم می شوند. نوزدهم آگوست، روز جهانی بشردوستی، در واقع، بهانه ای است برای شنیدن داستان زنانی چون سبیتا، چالش های پیش رویشان، حمایت از آن ها و ریشه یابی این مسئله که چرا آن ها را فراموش کرده ایم.

منبع: Women's Agenda

تبدیل رسانه به فرصت ارتباط مؤثر در خانواده



دکتر مهتاب علی‌نژاد
جامعه‌شناس

نسل مادران و نسل دختران نوجوان حتی در بهترین شرایط درک متقابل، باز هم دچار چالش‌های متعدد می‌شوند. این چالش و نبود تفاهم‌های گریز محور که دختران نوجوان را به درون تنهایی و انزوای خودخواسته سوق می‌دهد امری امروزی نیست. در طول سالیان متمادی و نسل‌های متعدد، چنان‌که تاریخ اجتماعی زنان روایت می‌کند، چالش و در برخی موارد دنبود درک متقابل گریزناپذیر بوده است.

امروزه گاه عمق یا سطح چالش‌ها و فاصله‌های نسلی بیش از گذشته تجربه می‌شود. نگاهی به دوران کروناپی که در آن قرار داریم ببندازید. زندگی با سرعت بیشتری به سوی دیجیتالی شدن پیش می‌رود. ساده‌ترین مثال تغییر نحوه آموزش از حضوری به مجازی به دلیل شرایط تحمیل‌شده از سوی خطرات کووید۱۹ به جوامع انسانی است. امروزه دانش‌آموزان از جمله دختران نوجوان آموزش را از طریق اتصال به اینترنت و فضای مجازی دریافت می‌کنند. استفاده از ابزار رسانه‌ای بیش از گذشته اجتناب‌ناپذیر شده است. در دنیای امروز نمی‌توان برای جلوگیری از صدمه دیدن، دسترسی دختران نوجوان به رسانه‌های مجازی را راه‌حل قلمداد کرد. دختران دانش‌آموز در گروه‌های تلگرامی به تبادل تکالیف و دانش می‌پردازند. در کنار ابزارهای ارتباطی داخلی نظیر شبکه‌های آموزشی ملی، رسانه‌های بین‌المللی به عنوان ابزار کمک‌آموزشی میان خود دختران استفاده می‌شود. حتی برقراری ارتباط با گروه هم‌سالان و به اشتراک گذاشتن لحظه‌های زندگی از نامه و پیامک در نسل‌های پیش به

تلگرام و واتس‌آپ و اینستاگرام تغییر یافته است. فناوری و تغییرات منتظر هیچ کس نمی‌مانند و زندگی مرتباً در حال تغییر است. امروزه حتی ارتباط معمول بین خانواده‌ای هم به اینترنت یا تلفن همراه گره خورده است. دختران نوجوانی را می‌شناسم که حتی برای مطلع شدن از آماده بودن ناهار، با مادر خود چت می‌کنند؛ در بیان این مثال ساده، به دنبال یک هدف هستم. آن هم این است که شما را با جنبه دیگری از زندگی تحت سلطه رسانه آشنا کنم و آن تبدیل تهدید رسانه به فرصت ارتباط مؤثر است، حتی اگر این فرصت اندک و کوچک باشد. شما کدام را ترجیح می‌دهید؟ یا بهانه قرار دادن چت کردن درباره آماده بودن ناهار و شام، باب گفت‌وگو با دختر نوجوان خود را باز کنید و حتی اگر کوتاه، فضای ارتباط را حفظ کنید یا با مقاومت در برابر پذیرش تغییر سبک زندگی در نسل پس از خود و مبارزه با تغییرات اجتماعی، به جای بهره‌برداری مناسب از آن به نفع خلق یک زندگی بهتر، فرصت‌های کوچک و لحظه‌ای و روزمره را در برقراری ارتباط مؤثر با دختر نوجوان خود از دست بدهید. آیا درباره نیاز

دختران نوجوان امروزی به برقرار ارتباط مؤثر با مادرانشان آگاه هستید؟ از تنهایی خودخواسته فرزندان و دیوار سکوت سردی که در اثر تجربه درک نشدن از سوی مادران به دور خود می‌کشند چه می‌دانید؟ برای برقرار ارتباط، یکی از گام‌های مؤثر و مهم این است که به نیازهای مخاطب برای سبک برقراری ارتباط توجه داشته باشید. دختر نوجوانی را که در دنیای تحت سلطه رسانه‌های اجتماعی مجازی زندگی می‌کند و تمایل دارد به سبک خودش با شما ارتباط برقرار کند چگونه تفهم می‌کنید؟ آیا به خواسته او احترام می‌گذارید؟ به عنوان مثال، در ساده‌ترین شکل برقراری ارتباط دختران و مادران، وقتی با شما چت می‌کند که ناهار چه داریم، شما با ایموجی‌های عاطفی و مثبت تعبیه شده در رسانه‌ای استفاده می‌کنید، فضای صمیمانه‌ای به سبک قابل هضم و دوست‌داشتنی و قابل پذیرش برای او ایجاد می‌کنید یا با نقد عملکرد او و سرزنش کردن استفاده از چت به جای گفت‌وگو، شوق او در برقراری ارتباط را سرد می‌کنید؟ اگر در برقراری ارتباط مؤثر با دختر نوجوان به دختر نوجوان دچار مشکل شوید،



چگونه خواهید توانست از سطح ساده گفت‌وگو درباره شام و نهار به سطح پیچیده گفت‌وگو درباره تجارب و نیازهای او برسید؟ دقت داشته باشید که پذیرفتن سبک ارتباطی دختران به معنی نادیده گرفتن‌های آسیب‌های احتمالی و قطعی که از سوی دسترسی داشتن به رسانه‌های مجازی متوجه دختران است نیست بلکه به این معنی است که با پذیرش اولیه آنان و قائل شدن حق انتخاب در حساس‌ترین دوره زندگی‌شان در جست‌وجوی «من که هستم؟» و «چگونه جهان خودم را می‌دهم که تغییرات نسلی را پذیرفته‌اید» به آنان این اطمینان را می‌دهید که تغییرات نسلی را پذیرفته‌اید و قادر به مذاکره و تلاش برای تفهم آنان هستید. بیشتر والدین به‌ویژه مادران به اندازه‌ای در پیچیدگی‌های روزمره زندگی اجتماعی بزرگ‌سالان درگیر و پرمشغله می‌شوند که تفاوت قائل شدن میان خود بالغ و دختر نوجوان نابالغ خود را از یاد می‌برند. از عملکرد یک انسان سردرگم در حال گذار از دنیای کوچک فردی به دنیای وسیع اجتماعی، انتظار فهم بزرگ‌سالانه دارند. از همین نقطه است که نصیحت کردن آغاز می‌شود.

نقیشه زمانی
کرشناس ارشد پژوهش هنر

صدف



آمدن ته‌مینه، دختر شاه سمنگان، نزد رستم

نگاهی کوتاه به زنان شاهنامه

روزی روزگاری، رستم قصد شکار در یکی از مناطق مرزی ایران و توران کرد. چون شکارکردن او تمام شد، به خواب رفت. در خواب بود که سواران ترک اسب او، رخس، را ربودند. از خواب که بیدار شد، به دنبال رخس رفت تا به شهر سمنگان رسید. پادشاه سمنگان که خبر آمدن رستم را شنید، به استقبال او رفت و از او خواست در کاخش مهمان شود. رستم پذیرفت. شب‌هنگام، رستم در خواب بود که دختری با شمعی به دست، به

استراحتگاه او رفت. رستم از خواب پرید و از دختر نشانش را خواست.

چنین داد پاسخ که ته‌مینه‌ام/ تو گویی که از غم به دو نیمه‌ام ته‌مینه از جنگاوری‌های رستم یاد کرد و گفت: وصف دلیری‌های را بسیار شنیده بودم. آرزوی دیدار تو از نزدیک را در دل داشتم. کلام ته‌مینه که در دل رستم نفوذ کرده بود رستم را بر آن داشت او را از پدرش خواستگاری کند. شاه سمنگان با کمال میل پذیرفت. چون رستم عزم دیار خود کرد، مهره‌ای که به دور بازو داشت به ته‌مینه داد تا هرگاه فرزندان به دنیا آمد، او را نشانی باشد از رستم.

بگیر و به گیسوی او بر بدوز/ به نیک اختر و فال گیتی افروز ور آیدون که آید ز اختر پسر/ ببندش به بازو نشان پدر چون زمان بارداری ته‌مینه سپری شد، خداوندگار پسری به او عطا کرد.

تو گفتی گو پیلتن رستم است/ و گر سام شیر است و گر نیمر است نام فرزند را سهراب گذاشت. فرزند نیز همچون پدر قوی اندام و دارای زور بازو بود. روزی نشان پدر را از مادر گرفت و ته‌مینه حقیقت را بازگو کرد. سهراب که وصف دلیری‌های پدر را از مادر

شنید، در سر آرزوها پروراند. رو به مادر گفت: به ایران می‌روم و با پدر خویش، کیکاووس، شاه ایران، را از تخت به زیر می‌آورم و پدرم را تاج پادشاهی می‌دهم و با او به توران حمله کرده، افراسیاب را نابود می‌کنیم.

سهراب از شاه سمنگان اجازه دیدار پدر را گرفت. شاه نیز لوازم جنگ و بسیار زر و جواهر به او داد. لشکری فراهم کرد. خبر حمله سهراب به ایران به گوش افراسیاب رسید. او ۲ تن از سرداران را با لشکری به یاری سهراب رساند. کیکاووس نیز سپاهش را آماده جنگ کرد. سهراب در پی پدر، نشان رستم را گرفت اما رستم را به او نشان ندادند و پاسخ دادند که او به جنگ نیامده است. جنگ فرا رسید. رستم و سهراب با هم کشتی گرفتند. ناگاه رستم سهراب را به خاک زد و سهراب در خاک و خون غلتید. سهراب قصدش از جنگ را به رستم بازگو کرد: اگر پدرم از کشته شدن من باخبر شود، تورا زنده نخواهد گذاشت. رستم مهره خویش را به بازوی پسر دید و اهی کشید. او فرستاده‌ای نزد کیکاووس فرستاد تا نوش دارو را بگیرد اما شاه امتناع کرد. سرانجام سهراب جان سپرد. خبر چون به ته‌مینه رسید، بسیار شیون سرداد و پس از یک سال سوگواری، سرانجام هم در غم او مرد.

ایران بلکه طبق قرارداد کبی‌رایت میان زویا پیرزاد و نشر مرکز با ناشران خارجی، تاکنون به زبان‌های فرانسوی، لهستانی، گرجی، ژاپنی و اسلونیایی ترجمه و در فرانسه، لهستان، گرجستان و ژاپن منتشر شده است.

یک روز مانده به عید پاک

نویسنده: زویا پیرزاد

بایهانه قرار دادن چت کردن درباره آماده بودن ناهار و شام، باب گفت‌وگو با دختر نوجوان خود را باز کنید و حتی اگر کوتاه، فضای ارتباط را حفظ کنید یا با مقاومت در برابر پذیرش تغییر سبک زندگی در نسل پس از خود و مبارزه با تغییرات اجتماعی، به جای بهره‌برداری مناسب از آن به نفع خلق یک زندگی بهتر، فرصت‌های کوچک و لحظه‌ای و روزمره را در برقراری ارتباط مؤثر با دختر نوجوان خود از دست بدهید

ایراندخت

خواهران تارک دنیا



غلامرضا آذری خاکستری
روانشناس

بیماری جذام به عنوان یکی از امراض عفونی در گذشته به واسطه ناشناخته بودن باعث ترس مردم بود. محتوای گزارش‌های تاریخی حکایت از آن دارد که از اوایل دوره قاجاریه تعداد زیادی از جذامی‌ها به قصد شفا برای زیارت به سوی مشهد روانه می‌شدند. این بیماران به دلیل نداشتن جا و پشتوانه مالی، عموماً در اطراف شهر به تكدیگری و عملگی می‌پرداختند و در شهر پراکنده بودند. برای جلوگیری از شیوع این بیماری، آن‌ها را در نزدیکی مشهد در یکی از مزارع آستان قدس به نام قلعه محراب‌خان (واقع در غلاب فعلی) اسکان دادند. این موضوع در عصر قاجار و در زمان تولیت میرزا عبدالوهاب‌خان آصف‌الدوله شیرازی اتفاق افتاده است. آستان قدس رضوی هم به مرور زمان اقدامات رفاهی و عمرانی چشمگیری برای آن‌ها انجام داده است.

در سال ۱۲۰۰ خورشیدی/ ۱۲۳۹ قمری مجلس حفظ‌الصحه خراسان با حضور اطباء شهر تشکیل و تصمیم گرفته می‌شود همه جذامی‌ها را از شهر خارج کنند و در مکانی دور سکونت دهند و امکاناتی مانند آب و حمام مخصوص برای آن‌ها تهیه، و از معاشرت نزدیک ایشان با مردم جلوگیری کنند. بنابراین آستان قدس رضوی درصدد بود مکانی مناسب برای نگهداری جذامیان ایجاد کند تا اینکه در سال ۱۳۰۸ خورشیدی جذامی‌خانه نوین را که از امکانات رفاهی و بهداشتی برخوردار بود تأسیس کردند. طبق آمار موجود در سال ۱۳۲۱ خورشیدی ۱۳۶ نفر در جذامی‌خانه نگهداری می‌شدند. افزایش تعداد جذامی‌ها باعث کمبود جاشد به طوری که دکتر کارکن، پزشک بیمارستان آمریکایی مسیحی مشهد، در تاریخ ۱۲/۸/۱۳۲۸ طی نامه‌ای درخواست توسعه و تأسیس اتاق‌های جدید کرده است.

آن‌هایی که سن و سالی دارند دهه ۳۰ را به یاد می‌آورند که تعدادی پرستار فرانسوی در جذامی‌خانه مشغول خدمت بودند. در اواسط سال ۱۳۳۶ خورشیدی ۴ نفر از پرستاران فرانسوی که از دختران کلیسای تارک دنیای پاریس بودند به دعوت دکتر راجی، وزیر بهداشتی، برای پرستاری از جذامی‌ها به مشهد آمدند. مؤلف کتاب «کنسولگری‌ها، مستخدمان و مستشاران خارجی در مشهد» اسامی آن‌ها را ماری کلبر، کولر آنتوانت، رونه کوئن و کمیندو کارت نوشته است. در همان ایام یکی از روزنامه‌های محلی با انتشار این خبر به حمایت پرستاران فرانسوی از جذامی‌ها پرداخته است. این پرستاران در ازای کار پولی نمی‌گرفتند. فقط بهداشتی مخارج روزانه آن‌ها را می‌داد. آن‌ها سوار بر دوچرخه از محله نوغان کمک‌های مردمی، مایحتاج خود و جذامی‌خانه را فراهم می‌کردند و به سوی آسایشگاه می‌رفتند. پرستاران فرانسوی چند سالی در مشهد حضور داشتند و برخی از آن‌ها از ایران رفتند تا اینکه در سال ۱۳۳۶ خورشیدی ۲ پرستار تارک دنیای فرانسوی دیگر به نام‌های مادلین کلود و ژاکلین کلر به مشهد آمدند و تمام وقت در آسایشگاه جذامی‌ها به کار و فعالیت مشغول بودند.

خواهران تارک دنیا که در خانه‌های اطراف آسایشگاه زندگی می‌کردند و در میان بیماران جایگاه و منزلت والایی داشتند زیرا با عشق و علاقه به خدمات پرستاری مشغول بودند و به جذامی‌ها کمک می‌کردند. ابتدای ورود آن‌ها به آسایشگاه، وضعیت بیماران بسیار وخیم بود به طوری که حتی فرزندان بیماران نیز توانایی رسیدگی به آن‌ها را نداشتند. با این حال، این پرستاران با لطافت زخم‌های بیماران را پانسمان و ناخن‌هایشان را می‌گرفتند، اصلاح‌شان می‌کردند و به خوبی از جذامی‌ها پرستاری می‌کردند. بنا به پیشنهاد این پرستاران، چون در جذامی‌خانه کار زیاد شده بود، مجذومین شفا یافته برای خدمت به دیگر جذامی‌ها استخدام می‌شوند. سرنوشت هریک از این پرستاران به شکلی نقل شده است. ظاهراً یکی از آن‌ها در آخر عمر به بیماری سرطان مبتلا شده و در تهران از دنیا رفته است.

* تارک دنیا به نقل از روزنامه آفتاب شرق اصطلاحی است که مردم مشهد در آن زمان به این پرستاران مسیحی می‌گفتند.

شهربانو

۲۷ شهریورماه ۱۳۹۹
۲۷ شهریورماه ۱۴۴۱ شماره ۲۱۹

چهره ماندگار علم

دکتر خدیجه بوذرجمهری
محقق، جغرافی‌دان و استاد برجسته دانشکده ادبیات فردوسی مشهد است. این بانوی فرهیخته در ۴۰ سال فعالیت علمی و پژوهشی، کارنامه ارزشمندی از خود به یادگار گذاشته است. از تألیفات ایشان می‌توان به «جغرافیا و تاریخ فردوس» اشاره کرد.

